

## بررسی ریشه‌های مشکلات تاریخی جوامع اسلامی؛ با تأکید بر نقد شبهات

احمد رضا فامیل در دشتی \*

رمضانعلی حسنی \*\*

### چکیده

امروزه با گسترش حیرت‌انگیز فضای مجازی، با تزریق گسترده شبهات به اذهان جامعه مواجهیم. انبوه‌سازی و گسترده‌سازی انتشار شبهات، در بسیاری از مواقع، مخاطبان را در برابر شبهات ناتوان کرده و قدرت نقد مغالطات صوری و محتوایی نهفته در شبهات را از آنان سلب می‌کند. شبهات منتشر شده در فضای مجازی علیه اسلام و تشیع، عمدتاً حاوی اشکالات مبنایی، روشی و استدلالی است، اما اکثر قریب به اتفاق مخاطبان، قدرت تشخیص این اشکالات را ندارند. شبهه حاضر یکی از هزاران شبهه‌ای است که این روزها در صفحات مجازی معاندان ساخته، پرداخته و منتشر شده است. در نوشتار حاضر تلاش شد تا ضمن نقد شبهه مورد نظر و نشان دادن اشکالات مختلف آن، خوانندگان مقاله کم و بیش با روش نقد شبهه نیز آشنا شوند. در این پژوهش، داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با روش توصیفی - تحلیلی، بررسی و تحلیل شده است. این پژوهش نشان داد که تمام گزاره‌های مندرج در شبهه حاضر، که با هدف تخریب اسلام و جوامع اسلامی و نسبت دادن مشکلات تاریخی کشورهای اسلامی به دین و اسلام، تدوین شده، مجموعه‌ای از ادعاهای غلط و اثبات نشده است و نویسندگان شبهه با طرح ادعا، به جای استدلال علمی، درصدد اثبات ادعاهای نادرست خود برآمده‌اند.

**واژگان کلیدی:** خاورمیانه، کشورهای اسلامی، اسلام، کافران، مسلمانان، جنگ، پیشرفت.

---

\* دانشجوی دکتری قرآن و علوم روانشناختی جامعه المصطفی العالمیه علیه السلام؛ ahmad.rezaporsesh@gmail.com  
\*\* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی موسسه آموزشی امام خمینی علیه السلام؛ khan\_bulbul80@yahoo.com

## مقدمه

امروزه در نقد و تخریب دین، دینداری و ارزش‌های دینی در فضای مجازی مطالب زیادی دست به دست می‌شود. اکثر این شبهات ادعاهایی بی‌اساس و مطالبی غیرمستند و باطل است. مطالبی که معمولاً با یک ادبیات تحریک‌کننده و در کنار هم قراردادن راست و دروغ و استفاده از الفاظ حساسیت‌زا، سعی در تحقیر باورها و ارزش‌های دینی و متزلزل کردن شاکله فکری و اعتقادی مؤمنان دارد. در اغلب شبهاتی که توزیع می‌شود، هم ادعاها نادرست است و هم دلائل؛ دلائلی که معمولاً با فشار الفاظ عاطفی و فضا سازی روانی، کوشش می‌شود به عنوان دلائلی موجه، مؤثر واقع شده و مخاطب مؤمن را خلع سلاح کند و پایه‌های ایمان آنان را به لرزه درآورد. یکی از شبهاتی که فراوان در فضای تلگرام و در کانال‌های ضد دین با بیان‌هایی گوناگون انتشار یافته، به این شرح است:

«۱۴۰۰ سال است مردم خاورمیانه یکدیگر را بخاطر اعتقادات مذهبی می‌کشند و در همین حال، بی‌خدایان:

برق را کشف می‌کنند، تلفن را اختراع می‌کنند، قدم در کره ماه می‌گذارند، واکسن بیماری‌های مختلف را می‌سازند، ...؛ اما مردم این نقطه از جهان که خود را دارای کامل‌ترین دین و بهترین امت می‌دانند، با کشت و کشتار یکدیگر و دگراندیشان، خود را در بهشت می‌پندارند و چنین باور دارند که برای رسیدن به حوری و جوی عسل باید دین خدا را با جهاد گسترش دهند ...! دوست مسلمان من! تا به حال پیش خود فکر کرده‌ای که چرا خدایت ۱۲۴ هزار راهنمای خود را در منطقه خاورمیانه فرستاده است؟! تا به حال فکر کرده‌ای چرا پیامبری در سرزمین استرالیا یا آفریقا یا آمریکا نفرستاده است؟! ارزش جهنم بی‌خدایان از بهشت خدا باوران خیلی بیشتر است! جهنمی که در آن افراد بی‌خدایی نظیر ادیسون، انیشتین، راسل و ... باشند، ارزشش از بهشتی که در آن فقط مسائل کمر به پایین برای بندگان فراهم می‌شود، بیشتر است. ۱۴۰۰ سال است که هرکس در حکومت اسلامی آمد، خود را اسلام واقعی نامید، از زمان عمر و علی تا بن لادن و ... و حالا هم که بغدادی و جولانی خود را اجراکننده اسلام واقعی می‌دانند! به راستی اسلام واقعی کجاست؟! اصلاً اسلام واقعی چیست؟! کی اجرا شده است؟! کامل‌ترین دین، بالای ۷۰ فرقه دارد!

فردی که از نظر اسلام کافر است، بخاطر انسان بودن و رضایت درونی خویش به کودکان فقیر کمک می‌کند؛ اما فرد دیگری به خاطر رضایت خدایش؛ خدایی که حکم این کافران را تنها گردن زدن می‌داند، خدایی که آنها را حرام زاده می‌خواند؛ خدایی که آنها را نجس می‌خواند ... به راستی که کشورهای جهان سوم را با آتش زدن يك قرآن می‌توان شلوغ کرد، اما کشورهای نوین کافران، با کشته شدن يك کودک صدایشان بلند می‌شود!

يك فرد دیندار به خودش این اجازه را می‌دهد که در عقاید شخصی افراد دخالت کند؛ يك فرد دیندار به خودش این اجازه را می‌دهد که به اسم خدا جان انسانی را بگیرد؛ اما يك فرد بی‌خدا برای خدمت به بشریت، قلب مصنوعی می‌سازد، انواع داروها را می‌سازد و ... به راستی ما به کجا می‌رویم؟! هدفمان در زندگی چیست؟! مگر غیر از این است که شما به خاطر جغرافیای کشورت مسلمانی؟! مگر غیر از این است که سیاه و سفید یکی هستیم و اسم‌مان انسان است؟!!

آیا افسار نامرئی دین را دور گردن خود حس نمی‌کنید؟! آیا وقت آن نرسیده که بخاطر انسان بودن به هم کمک کنیم نه به خاطر رضای خدا؟  
خدا را در کجا می‌یابید؟ در کنار سنگی در کشور بیگانه؟! در ضریح‌هایی از جنس طلا؟! یا در کنار خیابان، پشت چراغ قرمزها؟! اندکی بدون تعصب تفکر کنیم! «خرافه‌زدایی برای ایرانی آزاد در آینده، شروع همه تغییرات فکری ماست!»

مطالبی مانند آنچه در بالا آوردیم در فضای مجازی، خصوصا تلگرام و اینستاگرام و مانند آن دو، با فراوانی زیاد منتشر می‌شود و متأسفانه برخی از کاربران را هم متأثر کرده است. روشن است که امثال این شبهات، مطالبی علمی و قابل‌اهمیت نیست و چندان ارزش پاسخ‌گویی را ندارد؛ اما در نوشتار حاضر برای آنکه نشان دهیم چقدر سخنانی از این دست، سست و بی‌پایه است، این شبهه را انتخاب کرده و ادعاها و دلائل آن را مرور می‌کنیم تا روشن شود که تولیدگران و توزیع‌گران این‌گونه شبهات، هرگز دغدغه حقیقت‌طلبی و تحول و پیشرفت فکری مردم ایران و مسلمانان را ندارند؛ بلکه با انگیزه‌های پنهان سیاسی و فرهنگی، تنها به دنبال از بین بردن بنیادهای اعتقادی مردم هستند. هدف اصلی از انتشار این شبهات، فروپاشی فرهنگی جامعه ایرانی برای تسهیل ایجاد زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی دست‌اندازی

دشمنان به استقلال سیاسی و بسط چیرگی نامشروع آنان بر کشور ما است. دقت در مطالب این شبهه نشان می‌دهد که نویسندگان آن، هم ادعاهای باطلی را مطرح کرده‌اند و هم دلائلی را که برای اثبات ادعای خود به‌هم بافته‌اند، دلائلی ناموجه و نامرتب با ادعاها و اساسا همه آنها از سنخ ادعا است، نه دلیل!

این شبهه یک ادعای اصلی دارد و برای اثبات ادعای خود دلائلی را مطرح می‌کند که همه از جنس ادعاهای بدون دلیل است.

ادعای اصلی شبهه: دین، امری خرافی است و برای هرگونه تغییر مثبت در زندگی باید از آن دست برداشت.

ادعاهای فرعی:

۱. مردم خاورمیانه ۱۴۰۰ سال است که به‌خاطر دین یکدیگر را می‌کشند!
۲. همه اختراعات و اکتشافات مهم در زندگی بشر را بی‌خدایان پدید آورده‌اند!
۳. همه مردم خاورمیانه اعتقاد دارند که با کشتن بی‌خدایان به بهشت می‌روند!
۴. همه پیامبران در خاورمیانه مبعوث شده‌اند و هیچ پیامبری در استرالیا، افریقا یا امریکا مبعوث نشده است و تلویحا از این نتیجه گرفته شده که جریان انبیا، جریانی ساختگی است!
۵. ادیسون، و انیشتین و راسل افرادی بی‌خدا بودند!
۶. در اسلام فقط به مسائل کمر به پایین اهمیت داده شده است، اما در جهنم بی‌خدایان (بخوانید بهشت بی‌خدایان = کشورهای مدرن) تنها به علم و پیشرفت انسانی اهمیت داده می‌شود!
۷. در کشورهای نوین، که همه بی‌خدا هستند، مردم با کشته‌شدن یک کودک صدایشان بلند می‌شود اما مردم خاورمیانه برای آتش زدن قرآن به خروش می‌آیند!
۸. مسلمانان بخاطر رضایت خدا آدم می‌کشند و بی‌خدایان برای رضایت درونی به فقیران کمک می‌کنند!
۹. همه دینداران کاری جز دخالت در عقاید شخصی دیگران و کشتن غیردینداران ندارند؛ اما بی‌خدایان به ساختن قلب مصنوعی و داروهای مفید و مؤثر مشغول‌اند!
۱۰. مسلمانان به‌خاطر جغرافیای کشورشان مسلمانند؛ درحالی‌که حقیقتی جز انسانیت وجود

ندارد و باید به انسانیت ایمان آورد!

روشن است که آنچه در این شبهه به‌عنوان دلائل خرافی بودن دین مطرح شده، همه از جنس ادعاست؛ ادعاهایی که یا نیازمند اثبات است، ولی برای اثباتش کم‌ترین دلیلی ارائه نشده است؛ یا ادعاهایی است که از اساس، باطل و بی‌پایه است و یا دلائلی است که کم و بیش مقبول است، اما به ادعاهای گوینده ربطی ندارد و آنها را اثبات نمی‌کند! حال می‌خواهیم ادعاهای گوینده را یک به یک مرور کرده و ببینیم که سخنان او تا چه اندازه درست، منطقی و منصفانه است. در ادامه مقاله ادعاهای فرعی شبهه‌کننده با روش توصیفی و تحلیلی بررسی خواهد شد.

### **ادعای اول: مردم خاورمیانه هزار و چهارصد سال است که به‌خاطر دین یکدیگر را می‌کشند!**

این ادعا، ادعایی بزرگ، اما بدون هرگونه دلیل و شاهد تاریخی و جامعه‌شناختی است. برای هر محقق منصف و آگاه به مسائل روان‌شناختی و اجتماعی واضح است که جنگ‌ها و کشتارهایی که در زندگی انسان‌ها روی می‌دهد، معلول عوامل گوناگون و مبتنی بر زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن است (خان احمدی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۱) فروکاستن علل پدیده‌ای مثل جنگ، به علتی خاص (اعتقادات دینی)، آن هم در یک بازه زمانی ۱۴۰۰ ساله، خطایی مبنایی است.

شکی نیست که در طول تاریخ حیات انسان، گاهی دینداری (و نه دین!) هم در کنار عوامل دیگر، در پدیدآمدن جنگ‌ها و ستیزهای اقوام و گروه‌ها، مؤثر بوده است. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸-۱۱۷) برخی از گروه‌های قومی یا پیروان ادیان و فرقه‌ها به سبب برداشت غلط از دین و یا بهانه‌کردن مسائل دینی و پوشاندن عوامل واقعی، آتش جنگی را روشن کرده و یا آن را شعله‌ور ساخته‌اند. لیکن کسانی که با علوم اجتماعی آشنایی داشته باشند، می‌دانند که همواره آنچه به‌عنوان علل، عوامل و دلائل یک پدیده اجتماعی مطرح می‌شود، الزاما علل و دلائل واقعی پدیده‌ها نیست! پدیده‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به این سبب که موضوع‌شان رفتار انسانی است، معمولا چنان پیچیده‌اند که هیچ نظریه‌ای توان تبیین کامل آن را ندارد (جمشیدی و سبزی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴). اساسا مهم‌ترین علت فقدان نظریه‌های کلان در

علوم انسانی پیچیدگی رفتار انسان است (همان). علم تجربی می‌خواهد با خردکردن و ساده‌کردن پدیده‌ها و روابط میان آنها، الگویی تقریبی برای تغییرات آنها ارائه کند؛ ولی هرچقدر هم پدیده‌ای انسانی را ساده کنیم، باز هم پیچیدگی سازمان روانی انسان‌ها، مانع بزرگی بر سر راه تبیین کامل رفتار انسان است. اگر پیچیدگی رفتار یک یا چند فرد انسانی تبیین آن را با مشکل و تنگنا روبه‌رو می‌کند، چنانچه پدیده‌ای (مثل جنگ) به صورت جمعی و با رفتارهای بسیار پیچیده مجموعه‌ای از انسان‌ها، آن هم در تاریخی بسیار دور از ما رخ داده باشد و قضاوت و تحلیل ما جز از طریق برخی از اسناد تاریخی ممکن نباشد، تبیین آن بسیار دشوارتر و با قطعیت و قاطعیت بسیار کم‌تری انجام‌شدنی است (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵). بنابراین نسبت دادن همه جنگ‌های روی داده در تاریخ خاورمیانه به اعتقادات دینی مردم، نسبتی سست و نادرست و غیرعلمی است.

حال ممکن است کسی بگوید که در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به جنگ، جهاد و نبرد با کافران توصیه یا فرمان داده است؛ همچنین پیامبر و امام علی علیه السلام در دوران زمامداری خود جنگ‌های فراوانی را فرماندهی کرده‌اند. پس اگر بگوییم که دین اسلام، مسلمانان را به جنگ و کشتار کافران و دگراندیشان ترغیب کرده است، سخن گزافی نگفته‌ایم!

پاسخ این ادعا این است که ما هم در اینکه قرآن کریم به جهاد و مبارزه فرمان داده و آن را تقدیس کرده است، شکی نداریم (عادیات: ۲۰۱ و ۵) نیز در اینکه پیامبر و امام علی علیه السلام در دوران حکومت خود جنگ‌هایی را رهبری کرده‌اند، نمی‌توان تردید کرد (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶) حال اگر اثبات شود که این جنگ‌ها برای ظلم به دیگران و کشتن به ناحق کافران برپا شده است و پیشوایان اسلام قصد کشورگشایی داشته و مقاصد سیاسی تجاوزکارانه‌ای را دنبال می‌کرده‌اند، ادعای شبهه‌کنندگان تأیید می‌شود؛ اما اگر فلسفه و اهداف آن جنگ‌ها چیز دیگری باشد، از آن نمی‌توان برای تخطئه پیشوایان اسلام و مسلمانان بهره جست. به اختصار باید توضیح دهیم که آنچه در آموزه‌های اسلامی و سیره پیشوایان دین در رابطه با موضوع جهاد و شهادت در راه خدا وجود دارد، تنها به جهاد دفاعی مربوط است. جهاد دفاعی؛ یعنی دفاع از جان، مال، ناموس، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی جامعه اسلامی در برابر هجوم دشمنان (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۵۱) تردیدی نیست که در آموزه‌های دینی بر جهاد و دفاع از

جامعه و نظام اسلامی فراوان تأکید شده است و همین امر سبب شده تا برخی از ناآگاهان و بیماردلان دین اسلام را ترویج‌گر خشونت و جنگ بنامند؛ درحالی‌که این تأکیدها و توصیه‌ها حکمت دیگری دارد. ضرورت جهاد دفاعی، حکمی دینی نیست؛ بلکه حکمی عقلی و عقلایی است و دین اسلام بر حکم عقل و عقلا تأکید ورزیده است. هرآنسان عاقل و سلیم النفسی به روشنی درک می‌کند که اگر کسانی جان، مال و دیگر ثروت‌ها و داشته‌های ارزشمند او را مورد تجاوز قرار دهند، باید از خود و دارائی‌هایش در برابر متجاوز دفاع کند و شر دشمن را، هرچند با کشتن او، دفع نماید. هیچ انسان عاقلی در برابر تجاوز دشمن ساکت نمی‌ماند و دست کم با گریختن از تیررس دشمن جانش را نجات می‌دهد. البته معلوم است که گریختن از معرکه جنگ همیشه کاری خردمندانه و مشروع نیست (حیدری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹-۱۱۲).

حکمت تأکیدهای پرتکرار قرآن کریم و سنت و سیرت پیشوایان دینی بر جهاد دفاعی، از آن رو است که جهاد، به خودی خود، امری شاق، دشوار و جان‌فرسا است. سختی و دردناکی جنگ و امکان از دست رفتن جان و سلامتی، که عزیزترین دارائی‌های هر انسانی است، انگیزه و تصمیم فرد را برای شرکت در جهاد فرومی‌کاهد و زمینه سستی را فراهم می‌آورد. از این رو انسان‌ها با وجود درک فطری و عقلانی به لزوم جهاد، مبارزه و دفاع از خود و متعلقات خود، همواره انگیزه کمی برای انجام این عمل بزرگ و دشوار دارند و می‌کوشند تا به بهانه‌ها و دلائل گوناگونی از زیر این بار شانه خالی کنند. خداوند متعال در آیات متعدد قرآن کریم و نیز پیشوایان دینی به صورت‌های گوناگون، روحیه جهاد و شهادت‌طلبی و حس دفاع را در مؤمنان تقویت کرده‌اند و با تبیین حقیقت شهادت و پاداش‌های بلند و ارجمندی که برای مجاهدان راه خدا مهیا شده است، بر شوق آنان در دفاع از ایمان، عقیده، ارزش‌ها، سرزمین و استقلال فرهنگی و سیاسی نظام اسلامی افزوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۴۱۳).

بر اساس مبانی فقهی و حقوقی اسلام هرچا جنگی رخ می‌دهد، همواره گروه متجاوز، محکوم و گروهی که از خود در برابر تجاوز و دشمنی دفاع می‌کند، مورد تحسین و ستایش است و تفاوت نمی‌کند که چه کسی و کسانی و با چه انگیزه و بهانه‌ای جنگ را آغاز کنند! آغاز جنگ با هرهدف و انگیزه‌ای باطل و نامشروع است؛ اما اگر جنگی روی داد، گروهی که مورد هجوم قرار گرفته است، شرعا، اخلاقاً و عقلاً به دفاع از خود و سرکوب دشمن مهاجم مجاز است

(رئیس، ۱۳۹۵، ص ۹۰-۹۱). اسناد محکم تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم، امام علی و امام حسن علیه السلام در دوران حکومت خود هرگز جنگی را آغاز نکردند؛ بلکه ناخواسته و در مقام دفاع از نظام اسلامی یا دفع تجاوز پیش‌دستانه دشمن وارد جنگ شده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۹، ص ۱۳۴). جالب است دقت کنیم که در آیات قرآن کریم و توصیه‌ها و فرمان‌های جهادی پیامبر و امام علی علیه السلام فراوان بر این موضوع تأکید رفته است که حتی در شرایط جنگی و وضعیتی که ممکن است هر رویداد تجاوزکارانه‌ای با بهانه شرایط اضطراری جنگ، رخ دهد، مسلمانان حق ندارند از حدود عدالت و انصاف با دشمن خارج شوند و باید تنها بر سپاهیان نظامی و حاضر در معرکه جنگ بتازند و به بیش از آن تعدی نکنند. پیامبر و امام علی علیه السلام همواره در جنگ‌ها به سربازان خود توصیه می‌کردند که از حدود اخلاقی و شرعی پارا فراتر نگذارند؛ فراریان را دنبال نکنند، زخمی‌ها و اسیران را نکشند، به زنان، کودکان سالمندان و ناتوانان آسیبی نرسانند، خانه‌ها، مزارع و درختان را از بین نبرند، ... (همان، ص ۱۶-۱۷). این فرمان‌ها همه نشانگر این است که جهاد در اسلام امری ثانوی و تنها در واکنش به تجاوز دشمن مشروعیت می‌یابد؛ آن هم به اندازه‌ای که دشمن از تجاوز دست کشیده و با تحمل شکست نظامی از معرکه جنگ بگریزد.

نتیجه اینکه با قاطعیت می‌توان گفت جنگ‌هایی که در ۱۴۰۰ سال گذشته در منطقه خاورمیانه رخ داده است:

اولاً: دارای علل و عوامل گوناگونی بوده است؛

ثانیاً: برخی از این جنگ‌ها توسط مسلمانان ایجاد شده نه همه آنها؛

ثالثاً: از دیدگاه اسلام تنها جنگ‌هایی که با هدف دفاع از سرزمین و استقلال سیاسی روی داده است، مورد قبول و تأیید است و هر جنگی با انگیزه و عامل دیگری توسط هر گروه، چه مسلمان و چه غیرمسلمان اتفاق افتاده است، مردود و نامشروع است؛

رابعاً: فرق است بین آموزه‌های خود دین و رفتار برخی متدینان که در مواردی ممکن است به غلط رخ دهد.

از سوی دیگر شبهه‌کنندگان به عمد پنهان می‌کنند که اکثر جنگ‌هایی که در چند صد سال اخیر در این منطقه روی داده است، توسط بیگانگان و استعمارگران انگلیسی، فرانسوی و

امریکایی و به تعبیر ایشان همان بی‌خدایان، بر مردم این منطقه تحمیل شده است. مطالعه تاریخ جنگ‌های گوناگون در منطقه خاورمیانه این حقیقت را به خوبی آفتابی می‌کند که این منطقه به سبب برخورداری از ثروت‌های فراوان خداداد و مختصات راهبردی سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی همواره مورد طمع بی‌خدایان بوده است و کشورهای استعمارگر با حمله به کشورهای منطقه و اشغال سرزمین‌ها و از بین بردن سیادت و استقلال سیاسی ملت‌ها جنگ‌های خانمان‌سوزی را برپا کرده‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۳۵-۳۶). اکنون بر ناظران منصف و آگاه پوشیده نیست که گروه‌های تروریستی، مثل داعش، طالبان، ... دست نشانده و ابزار ایجاد ناامنی همان بی‌خدایان در این منطقه هستند (مدرسی‌یان، ۱۴۰۲، ص ۱۸۴) وانگهی! جنگ، چه با بهانه‌های مذهبی و چه با بهانه‌های غیرمذهبی، همواره در همه جای دنیا وجود داشته است. اگر با چشم انصاف به تاریخ کشورهای پیشرفته امروز؛ یعنی آمریکا و اروپای غربی بنگریم، با رویدادها و جنگ‌هایی به مراتب خونین‌تر، خشن‌تر و غیرانسانی‌تر مواجه می‌شویم. آیا جنگ‌های جهانی اول و دوم که نزدیک به چندصد میلیون انسان را در کام مرگ برد و میلیون‌ها آواره، مجروح و نقص عضو شده برجای گذاشته است، جنگ اعتقادات و ستیز بر سر فرمان‌های دینی و توسط مسلمانان رخ داده است؟! (رحیمی‌روشن)، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴) بنابراین ادعای شبهه‌کننده که مردم خاورمیانه ۱۴۰۰ سال است که یکدیگر را به خاطر اعتقاداتشان می‌کشند، ادعایی واهی و عاری از هرگونه انصاف و عدالت در سخن است.

### ادعای دوم: در همین حال، بی‌خدایان، برق را کشف می‌کنند، تلفن را اختراع می‌کنند و ...

در خصوص تحلیل این ادعای عجیب توجه به چند نکته راه گشاست:

۱. اولاً اختراعات و اکتشافات، همیشه و در همه جای جهان وجود داشته است. در زمانی که کشورهای پیشرفته امروز در دوران قرون وسطای تاریک به سر می‌بردند و علم، اخلاق، انسانیت و تمدن در میان آنها رمق چندانی نداشت، همین کشورهای شرقی و اسلامی مهد تمدن، شکوفایی علم و پرورش دانشمندان پرآوازه، پزشکان نامی، ستاره‌شناسان، فیلسوفان و شخصیت‌های بزرگ فرهنگی و هنری بوده است (آدامز به نقل از نگهی و نوروزی، ۱۴۰۲، ص ۶۶) جالب نظر اینکه اکثر قریب به اتفاق این دانشمندان در عین حال یا از عالمان دینی

بوده‌اند و یا دست کم از مسلمانان معتقد و وفادار به اعتقادات و ارزش‌های اسلامی به شمار می‌رفته‌اند. ثانیاً اکثر مخترعان و مکتشفان قرون اخیر در کشورهای امریکایی و اروپایی، یا مسیحی بوده‌اند یا یهودی؛ و شمار بی‌خدایان در میان دانشمندان غربی محدود و اندک است. (حسینی، به نقل از حجتی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸) بنابراین ادعای اینکه همه پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک توسط بی‌خدایان انجام گرفته است، ادعایی نادرست و بهتانی زشت به دانشمندان موحد و خداپرست غربی است. چه اینکه اکثر آنها تا پایان عمر به عقاید دینی خود پایبند بوده و با ایمان مذهبی از دنیا رفته‌اند.

۲. اختراعات و اکتشافات، همیشه از سوی عده کمی از انسان‌های خلاق، پرهوش و نابغه و با انگیزه کنجکاوی و میل به پیشرفت علمی صورت می‌گیرد و ربط دادن آن به اعتقاد به خدا یا بی‌خدایی ادعایی گزاف و غیرعلمی است؛ اگرچه به جرأت می‌توان گفت که دانشمندان بسیاری با انگیزه‌های الهی و از سر پی‌بردن به اسرار آفرینش و خدمت به بندگان خدا به تلاش و کاوش علمی و تحمل سختی‌هایی برای حل مشکلات بشریت همت گماشته‌اند؛ اما هرگز نمی‌توان کسانی را معرفی کرد که به سبب بی‌اعتقادی به خدا و مخالفت با فرمان او به اکتشاف یا اختراعی دست زده باشند. آری! برخی از دانشمندان بوده و هستند که پس از کشف قانون یا ارائه نظریه‌ای علمی گرفتار غرور و خودشیفتگی شده و به گزاف ادعا کرده‌اند که پیشرفت علم می‌تواند به بی‌نیازی از اعتقاد و ایمان به خدا و جهان غیرمادی منتهی شود و دیگر ضرورتی ندارد که برای توجیه آفرینش و تحول پدیده‌های طبیعی به انگاره وجود و خالقیت خدا متوسل شویم. اما اغلب دانشمندان بزرگ جهان چنین نبوده و نیستند.

**ادعای سوم: همه مردم این منطقه از جهان اعتقاد دارند که با کشتن کافران به بهشت**

**می‌روند!**

این ادعا هم بسیار سست و غیرمنصفانه است. قابل انکار نیست که برخی از مردم مسلمان خاورمیانه بر اساس برداشت‌های غلط و انحرافی از دین و البته با انگیزه‌های پیدا و پنهان غیردینی، به جنایت‌های زیادی علیه دیگران، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، دست زده و می‌زنند. اما آیا می‌توان گفت همه مردم این منطقه چنین عقاید و رفتارهایی دارند؟! آیا یهودیان اشغالگر فلسطین، که سال‌ها است با انگیزه‌های مذهبی به کشتن، آواره‌کردن و

شکنجه مسلمانان فلسطینی مشغول‌اند، همان بی‌خدایانی نیستند که از گوشه و کنار دنیا با حمایت‌های مادی و معنوی کشورها و دولت‌های به اصطلاح بی‌خدا، به این‌جا آمده و چنان جنگ‌ها و کشتارهایی را به راه انداخته‌اند؟!

### **ادعای چهارم: صد و بیست چهار هزار پیامبر همه در منطقه خاورمیانه ادعای رسالت کرده‌اند و در امریکا، استرالیا، آفریقا پیامبری مبعوث نشده است!**

شکی نیست که منطقه خاورمیانه محل بعثت پیامبران بزرگی چون ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ بوده است؛ اما چگونه می‌توان اثبات کرد که در دیگر نقاط زمین پیامبرانی مبعوث نشده‌اند! شبهه‌کننده اگر بتواند نام تک تک پیامبران را معرفی کرده و اثبات کند که همه آنها در این منطقه مبعوث شده و در این منطقه هم مشغول به دعوت بوده‌اند، می‌توان در سخن او تأمل کرد؛ اما اثبات چنین ادعایی ناممکن است.

اولاً: به تصریح قرآن کریم هیچ امتی در هیچ زمان و مکانی نبوده و نیست که بیم‌دهنده‌ای در میان آنها فرستاده نشده است... «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر: ۲۴)؛ ثانیاً: تحقیقات گسترده جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که در همه جوامع، حتی جوامع ابتدایی، صورت‌هایی از دینداری وجود داشته است (ریترز به نقل از ثلاثی، ۱۴۰۱، ص ۲۳) و این خود نشان‌گر این است که در همه ادوار تاریخ و همه جوامع، پیامبرانی بوده‌اند که دست کم قوم یا قبیله خود را به سوی دین دعوت کرده‌اند.

ثالثاً: منطقه خاورمیانه به لحاظ دارابودن خصوصیات منحصر به فرد استراتژیک و قرارگرفتن در نقطه اتصال قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا به یکدیگر، منطقه مهمی محسوب می‌شده (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۲) و به همین سبب، بهترین محیط برای بعثت انبیا و گسترش دامنه آن به قاره‌های دیگر بوده است. همچنان که امروزه هم شاهد هستیم، دین یهود، مسیحیت و اسلام، که هر سه در منطقه خاورمیانه ظهور کرده‌اند، همه نقاط جهان را درنوردیده و بیش‌ترین دین‌داران را در امریکا، استرالیا، آفریقا، اروپای شرقی و غربی زیر پوشش خود دارند.

**ادعای پنجم: ادیسیون، انیشتین و راسل و دانشمندان بزرگ جهان در قرون اخیر جزء**

## بی‌خدایان بوده‌اند!

باعث شگفتی است که برخی افراد برای اثبات ادعاهای باطل و پوچ خود حاضرند به عالم و آدم بهتان بزنند و کم‌ترین احساس ناراحتی هم در وجدان خود نمی‌کنند. اگر از راسل، که بی‌مهابا خود را ناخدا باور می‌دانست (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۸۹-۱۰۱)، بگذریم؛ دانشمندان بسیاری چون ادیسون و انیشتین یقیناً خداپرست بوده‌اند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳) و هیچ دلیلی مبنی بر اینکه این دانشمندان، دین خود را رها کرده و به اعتقادات دینی خود پشت پا زده باشند، وجود ندارد؛ آری! اینکه آیا این دانشمندان برای خدا به پیشرفت علم و دانش همت گماشته یا کوشش‌های آنها از سرکنجکاوی و یا برای رسیدن به ثروت و شهرت بوده است و آیا دستاوردهای علمی آنان در همه موارد به سود بشر بوده است یا ناخواسته به بشریت آسیب زده است، بحث دیگری است. اما همین قدر کافی است که بدانیم آنها افرادی لامذهب نبوده و برای دشمنی با خدا و دین الهی تلاش نکرده‌اند.

البته انکارکردنی نیست که در میان دانشمندان همواره کسانی بوده‌اند که به خدا و دین خاصی اعتقاد نداشته و یا دین خود را رها کرده‌اند؛ اما اولاً: معلوم نیست تعداد این گروه از دانشمندان از شمار دانشمندان دیندار بیشتر بوده است؛ ثانیاً: قابل اثبات نیست که دانشمندان بی‌دین در پیشرفت علم و دانش بشری مؤثرتر بوده‌اند. ثالثاً: هرگز نمی‌توان اثبات کرد که همه دانشمندان بی‌خدا به سبب بی‌اعتقادی به خدا در کار خود موفق شده و دستاوردهای علمی خاصی را به بشریت عرضه کرده‌اند؛ زیرا بی‌اعتقادی به خدا تأثیری در افزایش انگیزه علمی ندارد؛ بلکه برعکس کسانی که به خدا اعتقاد دارند و عالم را آفریده خداوندی قادر، عالم و حکیم می‌دانند از جهات گوناگون انگیزه بیشتری برای اکتشافات علمی و یافتن مجهولات ذهنی خود خواهند داشت.

ادعای ششم: در جهنم دنیایی بی‌خدایان تنها به علم و پیشرفت اهمیت داده می‌شود، اما در بهشت اخروی مؤمنان فقط به مسائل کمر به پایین اهمیت می‌دهند!

معنای این سخن این است که مؤمنان تنها به بهشت نسیه‌ای دل‌خوش دارند که در آن مسائل کم‌بهایمانند خوردن و نوشیدن و لذت جنسی مطرح است اما بی‌خدایان در دنیا، بهشتی ساخته‌اند که در آن مسائل مهمی چون علم و پژوهش حرف اول را می‌زند! بطنان این سخن نیز با اندک تأملی روشن می‌شود. اولاً مرور آموزه‌های دینی در حوزه‌های گوناگون نشان می‌دهد که اساساً ادیان الهی، خصوصاً اسلام، با هدف تعالی اخلاقی و معنوی و پیشرفت

علمی و وسعت بخشیدن به افق نگاه انسان‌ها رسالت خود را آغاز کرده و به پیش برده‌اند. (رحیمی راغب و قیم، ۱۳۹۴، ص ۴۰) آن اندازه که ادیان الهی در تشویق و ترغیب به آموختن علم و حکمت (ولو از کافران و مشرکان) و تنظیم و تعدیل خواسته‌های غریزی و مدیریت هیجان‌های حیوانی انسان‌ها تلاش کرده و توصیه و قانون ارائه کرده‌اند، هیچ مکتب و تفکری چنین نکرده است (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۶۶) بلکه امروز در دنیای غرب عده محدودی از مردمان سخت‌کوش و بلندهمت همواره به آموختن، تحقیق و تفکر در مسائل گوناگون مشغول‌اند و پیشرفت‌های دنیای غرب مرهون همت همین افراد است؛ اما هرگز این‌گونه نیست که در آن جوامع همه افراد مشغول علم‌آموزی و پیشبرد دامنه دانش بشری باشند و حرفی دربارهٔ مسائل کمر به پایین در میان نباشد! اتفاقاً آن چنان که مشهود است فرورفتگی در شهوت‌های جنسی و غیرجنسی در سرزمین‌های به اصطلاح بی‌خدایان، به مراتب متکثرتر و متنوع‌تر از هرکجای دیگر است. اصلاً کسانی که به خدا اعتقاد ندارند و زندگی پس از مرگ و بهشت و جهنم را باور نکرده‌اند، انگیزه بیش‌تری برای سرگرم‌شدن به شهوت‌های حیوانی دارند تا کسانی که اعتقاد دارند اگر بر خواسته‌های نفس سرکش مهار تقوا بزنند در زندگی پس از مرگ و در بهشت پرنعمت خداوند، از هرچه میل‌شان طلب کند بهره‌مند خواهند شد (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۲۸).

کشش‌های جنسی و امیال غریزی دیگر، جزء واقعیت‌های اصیل و انکارناشدنی وجود انسان است و هر دین، مسلک و مکتبی به آن بی‌اعتنا باشد و ارضای مطلوب و معقول آن را در برنامه‌های تربیتی، سیاسی و فرهنگی خود نادیده بگیرد، مکتبی ناقص و ناکام خواهد بود (رهید و نقیب زاده، ۱۴۰۳، ۹۹-۱۰۰) انسان هرگز در غریزه‌های حیوانی خلاصه نمی‌شود؛ همچنان که میل به پیشرفت علمی و کنجکاوی برای فهم و تبیین پدیده‌های جهان، تنها امیال شریف انسانی نیست. انسان غرایز و کشش‌ها و خواسته‌هایی گوناگون دارد؛ برخی مربوط به جسم او و برخی برخاسته از روح او است. توجه به همه این میل‌ها برای موفقیت، تکامل و خوشبختی انسان لازم است و هیچ کدام جایگزین دیگری نمی‌شود. وانگهی! علم زدگی و خیره‌ماندن به پیشرفت‌های علمی طبیعی و تکنیکی بشر در قرون اخیر، خود نوعی عقب ماندگی انسانی محسوب می‌شود؛ زیرا علم طبیعی و فناوری، هرچقدر هم شریف و ارزش‌مند

باشد، باز هم محصور در افق زندگی مادی بشر است و هرگز یارای ورود به عرصه‌های ماورای ماده و ساحت‌های متعالی وجود انسان را ندارد (قاضیان، ۱۳۹۶، ص ۶۹). اگر انگیزه‌های بشر برای پیشرفت‌ها و تحقیقات علمی در قلمرو طبیعت و فن را واکاوی کنیم، اغلب با انگیزه‌های نازلی چون تن‌آسانی، شهرت، ثروت، شهوت و خشم مواجه می‌شویم که همه به نوعی به همان مسئله توجه به مسائل از کمر به پایین مربوط می‌شود! انگیزه پیشرفت علمی، بدون هدفی متعالی و مبنایی محکم و عقلانی، نه تنها ارزشمند نیست، بلکه به زیان بشریت تمام خواهد شد. مگر همین پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک چند قرن اخیر امروز بلای جان انسان‌های بی‌شماری نشده و دانشمندان بی‌خدا را به ساخت انواع مپ‌های میکروبی و هسته‌ای و ساختن سلاح‌های کشتار جمعی برنیا نگیخته است؟! ثالثاً: شبهه‌کننده چنان از سرگرمی بی‌خدایان به علم و تحقیق می‌گوید که هرکس نداند گمان می‌کند که در کشورهای مدرن امروزی، تک تک انسان‌ها همه هوش و حواس خود را به علم و تحقیق و تفکر معطوف کرده‌اند و از هرگونه لذت‌جویی جنسی و غیرجنسی غافل مانده‌اند؛ درحالی‌که بر هیچ ناظر عاقل و هوشیاری پوشیده نیست که همه جوامع به اصطلاح بی‌خدای امروز، غرق در شهوت‌پرستی و فرورفته در شهوات جنسی و غیرجنسی‌اند. مگر نه این است که انواع فیلم‌های پورنو و روش‌های ابداعی سکس و خشونت‌های حیوانی جنسی هول‌انگیز، ابزارها، داروها، لباس‌ها و شیوه‌هایی که برای تنوع جنسی هرچه بیشتر، به تمام دنیا صادر می‌شود از همان کشورهای بی‌خدا است؟! (هورنور، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

### **ادعای هفتم: در کشورهای نوین صدای مردم با کشته شدن یک کودک بلند می‌شود اما در**

#### **کشورهای خاورمیانه با آتش زدن یک قرآن، شلوغی به راه می‌اندازد!**

معنای این سخن این است که در مغرب زمین برای جان انسان‌ها ارزش قائل‌اند اما در کشورهای اسلامی برای تکه‌های کاغذ! شکی نیست که جان انسان‌های بی‌گناه، چه بزرگ و چه کوچک، با هر ملیت و دین و آیینی، محترم و کشتن انسان‌های بی‌گناه، رفتاری ظالمانه و محکوم است. همه انسان‌ها، چه کافر و چه مؤمن، اگر تنها با وجدان اخلاقی خود به مسائل پیرامون بنگرند، باید در برابر ظلم در هر شکل و اندازه و در هر کجا و نسبت به هر کس روی دهد، احساس آزرده‌گی و رنجش کرده و خود را برای رفع آن مسئول بدانند؛ اما احساس

مسئولیت در برابر یک کودک مظلوم، چه منافاتی با رنجش و آزرده‌گی در برابر توهین به مقدسات مسلمانان دارد؟! (حیبی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸) قرآن کتاب زندگی و سعادت ابدی مسلمانان است و برای آنها دارای حرمت و قداست است. هیچ کس حق ندارد به مقدسات یک ملت و یا گروه اجتماعی توهین روا دارد؛ تحقیق، انتقاد و ارزیابی مفاهیم و گزاره‌ها و معارف یک کتاب، چه مقدس و چه غیرمقدس، با توهین به آن متفاوت است. آنچه مسلمانان را به خشم می‌آورد توهین بداندیشان به کتاب مقدس آنها است؛ نه نقدهای عالمانه و از سرحقیقت طلبی! حال از شبهه‌کننده می‌پرسیم آیا کودکان فلسطین، لبنان، یمن، بحرین، عراق و سوریه کودک نیستند؟! آیا کودکان محروم و فقیر کشورهای قحطی‌زده آفریقای، حق حیات ندارند؟! چرا سال‌ها است که ما از دولت‌ها و جوامع به اصطلاح بی‌خدا، علیه ظلمی که به این کودکان می‌رود، صدای بلندی نمی‌شنویم؟! هرروز صدها کودک بی‌گناه در گوشه و کنار جهان از شدت گرسنگی یا جنگ و یا فاجعه‌های دیگری که اغلب نتیجه رفتارهای کشورهای دولت‌های بی‌خدا است، کشته می‌شوند؛ اما سازمان‌های بین‌المللی بی‌خدایان نه تنها کمکی برای رفع ظلم از آنها نمی‌کنند؛ بلکه به هر شیوه ممکن زمینه‌ها و ابزارهای ظلم بیش‌تر را علیه مظلومان فراهم کرده و ظالمان را از لحاظ تسلیحاتی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی زیر چتر حمایتی خود قرار می‌دهند! (همان).

### **ادعای هشتم: مسلمانان به خاطر خدا آدم می‌کشند و بی‌خدایان به خاطر رضای دل‌شان**

#### **به فقیران کمک می‌کنند!**

این سخن هم مصداق بارز بافتن آسمان به ریسمان است. بحث کشتن چه ربطی به کمک به فقیران دارد؟! آیا این دو با هم منافات دارد؟! مگر نمی‌شود که هم زمان برای خدا دشمنان را کشت و برای آرامش دل به فقیران کمک کرد؟! همچنان که بسیاری از دولت‌های غربی هم به خاطر اهداف پلید جهان‌خوارانه خود به کشورهای محروم حمله می‌برند و زن و کودک و پیر و جوان را قتل عام می‌کنند و یا متجاوزان را برای تعدی به حقوق دیگر مردمان یاری می‌کنند و در همان حال از کمک‌های بشر-دوستانه سخن می‌گویند و نمایش کمک به محرومان را بازی می‌کنند! آری! امروزه برخی از گروه‌های افراطی به ظاهر مسلمان بی‌گناهان را از هرکیش و ملتی به نام خدا می‌کشند؛ اما مگر بی‌خدایان تاکنون چنین نکرده و نمی‌کنند؟!

کشتن انسان بی‌گناه، گناه است چه با نام خدا و چه با نام بی‌خدایی! نتیجه یکی است. همانگونه که برخی از بی‌خدایان با انگیزه‌های حیوانی، انسان می‌کشند و برای رسیدن به اهداف مادی خود از هر جنایتی دریغ نمی‌کنند، برخی از دینداران هم با دلایل و توجیحات به ظاهر دینی دست به جنایت می‌زنند؛ اما این چه ربطی به آموزه‌های دینی دارد؟! در تحلیل رفتارهای انسانی آنچه مهم است انگیزه‌های واقعی رفتار و پیامدهای آن است و برچسب‌ها و شعارها اهمیتی ندارد. البته اگر مسلمانی در یک جهاد دفاعی مشروع، دشمن خود را برای خدا بکشد، مضاف بر اینکه عملی مشروع و انسانی انجام داده است، چون با نیت الهی کاری را مرتکب شده است، از پاداش‌های اخروی خداوند هم بهره‌مند خواهد شد. مسلمانی که در عرصه جهاد مشروع، دلاورانه با دشمن می‌جنگد و متجاوز را به ورطه نابودی می‌کشانند، یقیناً در عرصه کمک به محرومان، در گذشتن از مال خود جدی‌تر و مصمم‌تر است و دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. شمار مراکز و انجمن‌های خیریه کمک به محرومان در کشورهای اسلامی، خصوصاً جمهوری اسلامی ایران، قطعاً از تعداد انجمن‌های خیریه در کشورهای به اصطلاح بی‌خدا بیش‌تر است. مسلمانان برای کمک به محرومان علاوه بر انگیزه‌های شخصی و انسانی، انگیزه‌های الهی و دینی هم دارند و این امر همواره موجب گسترش و عمق‌یافتن فرهنگ خدمت به نیازمندان در جوامع اسلامی شده است.

هرکسی اندک آشنایی با فرهنگ رفتاری مسلمانان داشته باشد به خوبی می‌داند که مهربانی، نوع‌دوستی و محبت به انسان‌های دیگر با انگیزه‌های دینی و غیردینی، رفتاری معمول و ریشه‌دار در میان آنها است (ذاکری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۳۰۸) مسلمانان علاوه بر مبالغی که به عنوان وجوهات واجب مالی (خمس، زکات، کفارات) به نیازمندان می‌دهند، همواره از کمک‌های مالی دلخواهانه هم غفلت نمی‌کنند. ضیافت‌ها و اطعام‌های فراوانی که با انگیزه‌های دینی در محیط‌های اسلامی انجام می‌گیرد، در محیط‌های غیراسلامی، نظیر ندارد. پیشوایان دینی ما خود الگوهای مجسم خیرخواهی، محبت و سخاوت بوده‌اند. مطالعه زندگی این بزرگواران این حقیقت را نشان می‌دهد که نه تنها یاری نیازمندان و بخشش مالی از رفتارهای پرتکرار آنان بوده است؛ بلکه همواره نگران زندگی محرومان بوده و در رسیدگی به تهیدستان و تلاش برای رفع فقر و محرومیت تلاش می‌کرده‌اند (مطهری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۰-۱۰۱).

یک نمونه برجسته از این کوشش‌ها را می‌توان در زندگی امام علی (ع) به تماشا نشست. امام علی (ع) در دوران کنار ماندن از مسئولیت‌های سیاسی، با دست خود صدها حلقه چاه حفر کرد و ده‌ها باغ و مزرعه را تلاش خود پدید آورد و همه را وقف فقیران و نیازمندان نمود (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۳۲).

ملت‌های مسلمان و دولت‌های اسلامی امروز هم در سطح جهانی و بین‌المللی در مواقع لزوم به یاری محرومان می‌شتابند و در اندازه‌ی توان، به گروه‌ها و ملت‌های نیازمند کمک می‌کنند؛ و این در حالی است که دولت‌ها و جوامع مدرن و بی‌خدا با ساخت و فروش انواع سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت‌های گوناگون مادی و سیاسی از گروه‌های تروریستی و دولت‌های جنایت‌کار و دفاع حقوقی از رفتارهای وحشیانه آنها، عرصه را بر ملت‌های مظلوم تنگ‌تر و دردناک‌تر می‌کنند. امروزه شاهدیم که با وجود انسان‌های فقیر و قحطی‌زده آفریقایی، کورهای آمریکا و کانادا برای جلوگیری از کاهش قیمت گندم، گندم‌های مازاد خود را به دریا می‌ریزند (فارس نیوز، ۱۳۹۹) میلیاردها دلار صرف جنگ و کشتار ملت‌ها و اشغال کشورهای می‌کنند و برای مداخله سیاسی و فرهنگی و ساقط کردن حکومت‌های مردمی، بودجه‌های کلانی را تصویب و مصرف می‌کنند؛ اما کم‌ترین کمک‌های بشر-دوستانه‌ای به مظلومان جهان نمی‌رسانند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پرچمدار اسلام علوی، همواره در صف نخست مبارزه با ظلم و دفاع مادی و معنوی از ملت‌ها و دولت‌های مظلوم بوده است و به‌همین سبب همواره با برچسب دفاع از تروریسم با مشکلات، محدودیت‌ها، تحریم‌ها و آزارهای فراوانی از سوی قدرت‌های بی‌خدای جهان روبه‌رو بوده است.

### **ادعای نهم: همه مسلمانان به‌خاطر مختصات جغرافیایی محل تولدشان مسلمانند و**

#### **دین‌شان تقلیدی و وراثتی است!**

این ادعا تا حدودی مقبول است؛ یعنی می‌پذیریم که دینداری اکثر مسلمانان، تقلیدی و تحت‌تأثیر تربیت و عوامل محیطی است. اما در خصوص تحلیل این مسئله باید به چند نکته توجه کرد:

۱. این امر عمومیت ندارد؛ یعنی همه دینداران مقلد نیستند. در همه جای دنیا دینداران (و غیردینداران!) به دو گروه مقلد و صاحب‌نظر تقسیم پذیرند و این امر، خاص جوامع اسلامی

و مسلمانان نیست (ایانلو طایفه یغمورلو و فتحی نژاد، ۱۴۰۱، ص ۱۲).

۲. تحقیقات و مطالعات علمی درباره مسائل دینی در کشورهای اسلامی به صورت چشمگیری در حال توسعه و عمق یافتن است و این امر از رشد و ارتقای سطح تفکر، پژوهشگری و مطالعات علمی مسلمانان دارد. امروزه نسبت به گذشته، شمار بسیار بیش‌تری از مردم، خصوصا جوانان، به دنبال پرسش‌گری و تحقیق درباره اعتقادات و ارزش‌های دینی خود هستند و از این رو سطح سواد دینی جوامع اسلامی به صورت معناداری افزایش یافته است. در کشور جمهوری اسلامی شمار دانشگاهیانی که پس از فراغت از تحصیلات جدید، برای آشنایی با علوم دینی به حوزه‌های علمیه وارد می‌شوند رو به افزایش است؛ همچنان که بسیاری از طلاب علوم دینی برای آشنایی با علوم جدید غربی، هم‌پای تحصیلات حوزوی خود، به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی مدرن مشغول می‌شوند (حداد عادل، ۱۳۷۹، ص ۴۳۵).

۳. از لحاظ منطق عقلانی، هرگز پذیرش مقلدانه یا مجتهدانه یک باور، در حقانیت و عدم حقانیت آن تأثیری ندارد. بسا باورهای مجتهدانه و محققانه‌ای که از اساس باطل و نادرست است و در برابر بسیاری از باورهایی که به صورت مقلدانه از دیگران می‌آموزیم، عین حق و صواب است. یادگیری از طریق تقلید منحصر به آموزه‌ها و الگوهای رفتاری دینی نیست؛ بلکه همه انسان‌ها در اکثر مسائل زندگی مقلدانه رفتار می‌کنند. هر فرد تنها می‌تواند در یک یا چند رشته محدود، صاحب‌نظر و محقق باشد و اجتهاد در همه مسائل زندگی برای انسان‌های این عصر ممکن نیست (رحمانی سبزواری، ۱۳۸۹، ص ۷۱).

۴. می‌پذیریم که دینداری اکثر مسلمانان، مجتهدانه و صاحب‌نظرانه نیست؛ همچنان که دینداری اکثر مسیحیان و یهودیان و بی‌دینی اکثر بی‌خدایان هم همین‌گونه است. اما تفاوت ظریفی در این جا وجود دارد که باید به آن توجه کرد. اگرچه دینداری اغلب مسلمانان، تقلیدی است اما از آنجا که از زمان خود پیامبر تاکنون همواره جریان عالمان دینی در میان مسلمانان حضوری جدی و تأثیرگذار داشته‌اند و عالمان دینی، خصوصا عالمان شیعی، به صورت مداوم در حال تحقیق و اجتهاد و نظریه‌پردازی در منابع و متون دینی هستند، دینداری اکثر مسلمانان، تقلیدی مبتنی بر علم و عقلانیت است. آن تقلیدی نکوهیده و مردود است که از

روی جهل یا جهالت و بدون مبنای عقلانی صورت گیرد؛ اما رجوع جاهل به عالم و تقلید غیرمتخصص از متخصص، در مسائلی که توان اظهارنظر شخصی برای او نیست، ضرورتی عقلانی و هماهنگ با فطرت انسانی است (آخوند خراسانی، [بی‌تا]، ص ۴۳۵).

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی و نقد شبهات مطرح‌شده در فضای مجازی علیه اسلام و جوامع اسلامی، به تحلیل ادعاهای بی‌اساسی پرداخت که با انگیزه‌های سیاسی و فرهنگی، سعی در تضعیف بنیادهای اعتقادی مسلمانان دارند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای نشان داد که ادعاهای مطرح‌شده در شبهات، فاقد پشتوانه علمی، تاریخی و منطقی هستند و بیشتر بر پایه‌های احساسی، کلی‌گویی‌های نادرست و تحریفات تاریخی استوار شده‌اند.

بررسی ادعاهای ده‌گانه شبهه‌کننده نشان داد که:

۱. جنگ‌های خاورمیانه صرفاً بر اساس عوامل دینی نیست، بلکه عوامل سیاسی، اقتصادی و استعماری نقش اصلی را داشته‌اند.
۲. پیشرفت‌های علمی منحصر به بی‌خدایان نبوده و بسیاری از دانشمندان بزرگ تاریخ، موحد و متدین بوده‌اند.
۳. پیامبران الهی در سراسر جهان مبعوث شده‌اند، اما تمرکز بعثت در خاورمیانه به دلایل تاریخی و جغرافیایی بوده است.
۴. اخلاق و انسانیت در اسلام جایگاه والایی دارد و کمک به نیازمندان، بخش جدایی‌ناپذیر تعالیم اسلامی است.
۵. دینداری مسلمانان اگرچه در مواردی تقلیدی است، اما همواره جریان اجتهاد و تحقیق دینی در میان عالمان اسلامی پویا بوده است.

در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که شبهات مطرح‌شده بیشتر با اهداف تخریبی و ایجاد تردید در باورهای دینی طراحی شده‌اند و پاسخ‌گویی به آنها نه تنها روشنگری در برابر این تحریفات است، بلکه ضرورتی برای حفظ هویت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی محسوب

می‌شود. تقویت عقلانیت دینی، توسعه پژوهش‌های نقادانه و ترویج آموزه‌های اصیل اسلامی می‌تواند جامعه را در برابر این‌گونه شبهات مصون نگه دارد.

## فهرست منابع

قرآن کریم  
نهج البلاغه

۱. ابن شهر آشوب مازندانی، رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، چاپ دوم، قم: المطبعة العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۲. ایانلو طایفه یغمورلو، فاطمه و فتحی نژاد، فرج الله، بررسی ضرورت اجتهاد در فقه امامیه از منظر آیات و روایات، مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال پنجم، شماره ۵۱، شهریور ۱۴۰۱.
۳. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الاصول، چاپ سنگی، با حاشیه مرحوم مشکینی، [بی‌تا].
۴. آدامز، سیمون، اطلس تاریخ جهان (برای دانش آموز)، ترجمه مرجان، نگهی و نوروزی، جمشید، قم: افق، ۱۴۰۲.
۵. تقی‌زاده انصاری، شهرام، علم و دین از دیدگاه آلبرت اینشتین، مجله ذهن، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۶.
۶. جمشیدی، محمدحسین، سبزی، داود، نظریه پردازی؛ گامی مهم در بومی سازی علوم انسانی، فصلنامه مهندسی فرهنگی، پیاپی ۸۳، بهار ۱۳۹۴.
۷. حبیبی، علی فقیه، حقوق کودک در اسلام و خشونت‌های سیاسی جهان اسلام، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶.
۸. حداد عادل، غلامعلی، تحول جمعیتی جوانان جامعه ایران، آسیب شناسی انقلاب اسلامی، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۹.
۹. حسنی سلیم، ۱۰۰۱ اختراع میراث مسلمانان در جهان، ترجمه حجتی طباطبایی، افسانه و همکاران، چاپ دوم، تهران: طلایی، ۱۳۹۳.



۱۰. حیدری، محمدمحسن، جهاد دفاعی از منظر فقهای امامیه با تاکید بر آراء امام خمینی رحمته الله علیه در دفاع مقدس، دوفصلنامه علمی - تخصصی اندیشنامه ولایت، سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۱۱. خان احمدی، اسماعیل، بررسی عوامل مؤثر بر شکل گیری جنگ از نظر مبانی ارزشی و آموزه‌های دین مبین اسلام، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و هشتم، شماره ۱۱۰، بهار ۱۳۹۹.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین، گستره شریعت، قم: معارف، ۱۳۸۲.
۱۳. ذاکری، علیرضا و همکاران، اثبات اصالت مهربانی در اسلام، نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹.
۱۴. رحمانی سبزواری، علی، اجتهاد و تقلید، نشریه پژوهش‌های فقهی، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹.
۱۵. رحیمی راغب، مهین و قیم، بهادر، جایگاه علم و علم آموزی در اسلام، فصلنامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران، سال یکم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴.
۱۶. رحیمی (روشن)، حسن، بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۷. رهید، علی و نقیب‌زاده، محمد، نقش میل جنسی در کمال نهایی انسان از نظر قرآن کریم، مجله پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوازدهم، شماره ۳۴، بهار ۱۴۰۳.
۱۸. ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه ثلاثی، محسن، قم: انتشارات علمی، ۱۴۰۱.
۱۹. رئیسی، جان محمد، جهاد و دفاع مقدس از دیدگاه قرآن و روایات، فصلنامه جامع دفاع مقدس، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۵.
۲۰. زحیلی، وهبه مصطفی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق: [بی‌نا]، ۱۴۱۹ق.
۲۱. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، قم، موسسه فرهنگی و هنری مشعر، ۱۳۸۶.

۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۳۷۴.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
۲۴. عاملی، محمدبن مکی (شهید اول)، اللّمعنه الدمشقیه فی الفقه الإمامیه، بیروت: دارالتراث و دارالاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۲۵. فارس نیوز، به تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۳۱، <https://farsnews.ir/showcase>
۲۶. قاضیان، رحمت‌الله، کتاب نقدی بر ماتریالیسم (کلام جدید)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۶.
۲۷. کریمی پور، یدالله، بررسی زمینه‌های جابه‌جایی کلان جنگ‌های فراگیر در خاورمیانه، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۹، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۰.
۲۸. کریمی‌نیا، محمدمهدی، «مسیحیت؛ جنگ یا صلح؟ (بررسی شیوه برخورد مسیحیت با پیروان ادیان دیگر)»، معرفت، شماره ۱۰۶، ۱۳۸۵.
۲۹. محمودیان، حمید و همکاران، اهمیت علم، آموزش و تربیت از دیدگاه قرآن کریم، رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۵.
۳۰. مدرس‌یان، داود، بررسی خاستگاه فکری - انگیزشی، بستر رشد و عوامل ایجاد گروه داعش، نشریه علمی مطالعات نوین علوم انسانی در جهان، جلد ۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲.
۳۱. مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، تهران: صدرا، ۱۳۹۶.
۳۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، چاپ هفتاد و یکم، تهران: صدرا، ۱۴۰۰.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، داستان یاران، تهیه و تنظیم: علیان نژادی، ابوالقاسم، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۰.
۳۴. هورنور، نوئل، غرب و گرداب بحران اخلاقی، مجله حوراء، سال ۱۳۸۲.